



کامبیز نوروزی

حقوق دان

در روزنامه نگاری اصطلاحی رایج است به نام خبرخوردن. وقتی خبری که از نظر اصول حرفه‌ای باید در رسانه کار شود ولی رسانه‌ای آن را کار نمی‌کند، این اصطلاح به کار می‌رود. با الهام و قیاس با این تعبیر درباره نظام اجرایی کشور می‌توان واژه «قانون خواری» را به کار برد. در خیلی از موارد مدیریت اجرایی کشور دچار عارضه «قانون خوردن» است؛ یعنی قوانینی را که از نظر اصول حقوقی و اداری باید اجرا کنند، اجرا نمی‌کنند یا ناقص اجرا می‌کنند. یکی از توجیهاتی که برای قانون خواری به کار می‌برند، این است که قانون اشکال دارد. درحالی‌که قانون برتر از همه است و همگان باید خود و رفتار خود را با قانون تطبیق دهند. سنت شده است که معمولاً مدیران ارشد تلاش می‌کنند قانون را با خود تطبیق دهند. در خیلی از موارد، مدیران دیدگاه‌ها و نظرات خود را به صورت پنهان یا آشکار برتر از قانون می‌دانند. در این تفکر معیار اصلی تفکر مدیر است، نه قانون. در قانون خواری، قانون موقعیت برتر خود را از دست می‌دهد. وقتی کاری به نتیجه نمی‌رسد، قبل از هر چیزی به نقایص و نارسایی‌هایی به‌عنوان علل اصلی متوسل می‌شوند که مدعی‌اند در قانون وجود دارد. ایرانی اشکالات بسیاری دارد و اغلب قوانین از جهات متعدد دچار اشکال هستند، اما مدیر اجرایی مکلف است قانون را به درستی و دقت اجرا کند. اشکالات قانون دلیلی برای نقض آن توسط مدیر اجرایی نیست. با قانون خواری تزلزل و اختلالات مهمی در نظم حقوقی و کارآمدی مدیریت پیش می‌آید.

نخستین عارضه، تولید بی‌معیاری است. قانون در هر حال معیارهایی را تعیین می‌کند که با آن می‌توان کیفیت کارها را ارزیابی کرد. وقتی ادعا می‌شود مشکلات اجرایی ناشی از قانون است، در واقع معیارهای مندرج در قانون از اعتبار می‌افتند. مثلاً فریق بین مدیر لایق و نالایق را دیگر نمی‌توان پیدا کرد.

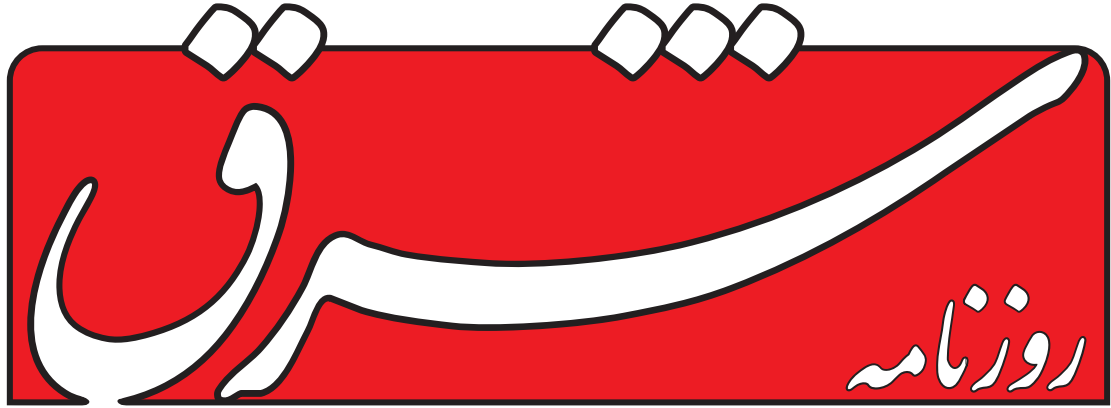
همچنین نظام اداری و اجرایی کشور به کشتی بی‌لنگری بدل می‌شود که با جابه‌جایی هر مدیر به یک سو می‌رود؛ آن قدر که کشتی به دور خودش می‌چرخد. قانون خواری جولانگاهی می‌سازد که در آن هرکس به سادگی هر کاری که خودش دوست دارد انجام می‌دهد، بدون آنکه نظم واحد و قابلیت دوری وجود داشته باشد. مانند یک مسابقه فوتبالی که در آن بدون حضور ندارد؛ چنین مسابقه‌های سرشار است از دعوا، کشمکش و زدوخورد. پدیده قانون خواری ناشی از فساد و توسعه‌دهنده فساد است.

قانون خوار مدعی همه چیز است و قانون را مزاحم تلقی می‌کند. وقتی مسعود پزشکیان در مجلس گفت برنامه‌اش همان برنامه هفتم است، یک استثنای بسیار بزرگ را در نظام اجرایی کشور به نمایش گذاشت؛ او خود را برتر از قانون ندید. چیزی نگفت که لازم باشد برای آن قوانین متعدد تغییر کند. قانون را بر صدر نشاند.

وقتی قانون برنامه وجود دارد، قانون بودجه سالانه وجود دارد، رئیس‌جمهور و هر مقام دیگر مکلف به اجرای آن است. برنامه رئیس‌جمهور را معلوم کرده است.

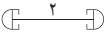
پزشکیان با تاکید بر اینکه برنامه‌اش همان برنامه هفتم است، صف خود را از صف قانون خواران مدعی که از عوامل مهم اختلال نظم‌اند جدا کرد. انتقادهای زیادی به قانون برنامه هفتم وارد شده است، اما این انتقادها هرچه باشند دلیل آن نیستند که رئیس‌جمهور یا هر مقام دیگر از همان ابتدا چیزهایی بگوید و شعارهایی بدهد که مغایر با آن باشند. اشکالات قانون برنامه در طول زمان با پیشنهادهای اصلاحی قابل ترمیم‌اند. پزشکیان نشان داد نمی‌خواهد در شمار قانون خواران باشد. باین حال نباید فراموش کرد سازمان دولت متشکل است از انبوه وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی و سازمان‌های عمومی وابسته مانند تأمین اجتماعی، شستا، بانک مرکزی و سازمان‌های دیگر. آقای پزشکیان باید در مقام رئیس‌جمهور این آموزه مهم، بزرگ و مؤثر را در تمام سازمان اجرایی کشور تسری داده و مبارزه‌های بزرگ با قانون خواری سامان دهد و نگذارد قانون را بخورند؛ وگرنه اوضاع کشور سامان نخواهد یافت.

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳
۱۶ صفر ۱۴۴۶
۲۱ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۰۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



روزنامه

امیدواری پزشکیان
به رأی آوردن همه
وزرای پیشنهادی



در «شرق» امروز می‌خوانید: پایان حسن یزدانی؟ • ریشه‌های شکست جنبش جنگل • چراغ سبز بی‌بی، فشار بر حماس • پژواکی برای صدای بی‌صدایان / کیکوس پورایوبی

گزارشی اجمالی از کارنامه مالی مدیریت شهری ششم که بدون احتساب تورم، معجزه‌آسا به نظر می‌رسد

توهم تورمی؟



شب‌نامه؛ فانتزی جدید رادیکال‌ها

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سرژو سوسویر، ایرنا

برگزیده‌ها

پاسخ وزارت
امور اقتصادی و دارایی
به گزارش «شرق»



گزارش «شرق» از کودکانی که کار می‌کنند
کسی از آنها خبر ندارد



حدود ۳۷۰ نیروی شهرداری و فاتب
در چهارراه ولیعصر مانع فعالیت فروشان می‌شوند

دژی برای بساطی‌ها



گزارش میدانی «شرق» از بازار داروهای اعصاب و روان
که سلامت بیماران را نشانه رفته است

فقدان اعصاب



کارشناسان در جلسه رونمایی از کتاب
«دورمانده از توسعه» چه گفتند؟



یادداشت

رؤیای رشد ۸ درصدی



محمدزیاوسیفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

دولت جدید تاکید دارد که بر اساس سند چشم‌انداز و برنامه هفتم عمل کند. از جمله اهداف تعیین‌شده این برنامه، رشد هشت درصدی است. بسیاری از اقتصاددانان تحقق این نرخ را در شرایط کنونی ناممکن می‌دانند. پزشکیان نیز در مناظرات، تحقق آن را بدون بهبود روابط بین‌المللی ناممکن دانست. اما او اکتون می‌خواهد در چارچوب برنامه هفتم، برای تحقق رشد هشت درصدی کار کند. پرسش مهم امکان‌پذیری تحقق این نرخ در دوره پنج‌ساله برنامه هفتم است. در همین جا باید میان رشد اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوت قائل شد. در کوتاه‌مدت ممکن است به دلالی نرخ رشد اقتصادی بالا تجربه شود. به عنوان مثال، در دوران جنگ تحمیلی، بنگاه‌های اقتصادی به دلیل محدودیت در تأمین مواد اولیه، قطعات، پایین بودن منابع ارزی و مانند آن با ظرفیت پایین فعالیت می‌کردند. اما در سه سال پس از جنگ، ایران نرخ رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرد، گرچه این روند ادامه نیافت. در سال ۱۳۹۷ با بازگشت تحریم، روند بهبود رشد اقتصادی متوقف شد و با وقوع آیدمی کرونا، بیشتر آسیب دید. در دوره کرونا، بنگاه‌های اقتصادی با ظرفیت پایین کار کردند و بسیاری از کسب‌وکارها آسیب دیدند. با پایان یافتن کرونا و ریاست‌جمهوری بایدن، درآمدهای نفتی بهبود یافت و رشد اقتصادی مثبت شد، گرچه این رشد بیشتر ناشی از درآمدهای نفتی بود. اما این نرخ با رشد هشت درصد فاصله زیادی دارد. به هر حال این رشد‌های نوسانی نمی‌تواند به بهبود اقتصاد ایران انجامیده و توسعه را به دنبال داشته باشد. رشد اقتصادی بالا و مستمر در بلندمدت منجر به تغییرات اساسی در اقتصاد شده و توسعه را به دنبال خواهد داشت. چپن حدود سه دهه، رشد اقتصادی دورقمی را تجربه کرد و از یک اقتصاد بسته و کشاورزی، با حدود ۲۰۰ میلیون فقیر به اقتصادی باز، صنعتی و درصد بسیار اندکی از فقیران در سال ۲۰۲۰ رسید.

یادداشت

اقتصاد دیجیتال و سرمایه‌گذاری‌های نامشهود: اهمیت، اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی



اسفندیار جهانراد

دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

همچنین با مقایسه سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ و سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳، مشخص شده است که با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه که قبلاً به‌عنوان مصرف متوسط تلقی می‌شد، سهم تشکیل سرمایه ثابت نامشهود در رشد تولید ناخالص داخلی تقریباً دو برابر شده است. ابزارها و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری نامشهود وجود دارد. از جمله مدل‌سازی مالی، استفاده از پرسش‌نامه‌ها، مصاحبه‌های کیفی و استفاده از روش‌های تخمینی مانند روش ارزش‌گذاری مشتری یا برند. یکی از مراجع مهم برای اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری نامشهود، دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد در سیستم حساب‌های ملی است که از سال ۱۹۹۳ آغاز و در سال ۲۰۰۸ تکمیل شده است. در این زمینه، کشورهای انگلستان، استرالیا، ژاپن، فنلاند، کانادا، هلند و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به شکل یکپارچه در چارچوب استانداردها و مفاهیم تولیدشده اقدام به اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری‌های نامشهود کرده‌اند. تبدیل نامشهودها به سرمایه‌گذاری، نیازمند دو مؤلفه اصلی است: فناوری و نهاد. فناوری تعیین می‌کند که چگونه دارایی‌های نامشهود ذخیره می‌شوند، درحالی‌که نهادها ارزش بیرونی این دارایی‌ها را با اعمال تکنیک‌پذیری ایجاد می‌کنند. بنابراین برای بهبود مدیریت کشور و تحقق اهداف اقتصاد دیجیتال با توجه به اینکه سرمایه‌های نامشهود نسبت به مشهودها، به احتمال زیاد مقیاس‌پذیرتر هستند، هزینه‌های آنها بیشتر اجتناب‌ناپذیرتر است و تمایل آنها به سرریزهای بالا و هم‌افزایی نسبتاً شدید است و می‌تواند تحولات اقتصادی شگرفی را رقم بزنند. باید در ایران به فناوری دیجیتال و نهادهای لازم توجه جدی کرد و برای آنها برنامه‌ریزی تحول‌خواهانه کرد.

کرده‌اند: (۱) به‌عنوان منابعی با سود اقتصادی احتمالی در آینده در نظر گرفته می‌شوند. (۲) فاقد ماهیت فیزیکی هستند، (۳) تا حدی قابل حفظ و معامله از طرف یک شرکت هستند. این ویژگی‌ها در تعریف کلی‌تر دارایی‌های اقتصادی که از طریق سیستم حساب‌های ملی ارائه شده، نیز منعکس شده‌اند. اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری نامشهود به معنای ارزیابی دارایی‌ها یا سرمایه‌هایی است که در معیارهای مالی سنتی مانند صورت‌های مالی عمومی یا گزارش‌های سالانه قابل مشاهده نیستند. این نوع سرمایه‌گذاری شامل منابع نامشهودی مانند مالکیت فکری، برندها، روابط با مشتریان، فناوری‌های نوآورانه، دانش فنی، تحقیق و توسعه و مهارت‌های کلیدی کارکنان می‌شود. اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری نامشهود اهمیت زیادی در سازمان‌ها، شرکت‌ها و کشورها دارد، زیرا این اطلاعات به مدیران و سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا ارزش و عملکرد واقعی را بهتر درک کنند و تصمیمات موفق‌تری اتخاذ کنند. به طور میانگین، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دارایی‌های نامشهود بیش از یک‌سوم کل سرمایه‌گذاری را در رشد تولید ناخالص داخلی به خود اختصاص داده است.

اقتصاد دیجیتال به طور درخور توجهی نقش و اهمیت سرمایه‌گذاری‌های نامشهود را افزایش داده است. فناوری‌های دیجیتال امکان بهره‌وری بیشتر و توسعه سریع‌تر این دارایی‌ها را فراهم می‌کنند و شرکت‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری بیشتر در این حوزه‌ها سوق می‌دهند. همچنین در اقتصاد دیجیتال، بازارها به سرعت در حال تغییر و گسترش هستند و این باعث می‌شود که ارزش دارایی‌های نامشهود به دلیل قابلیت مقیاس‌پذیری و سرریزهای مثبت بیشتر، افزایش یابد و نقش حیاتی‌تری در رشد و توسعه اقتصادی ایفا کنند. سیستم‌های آماری در کشورهای مختلف با توجه به ثروت، فرهنگ، چارچوب‌های حقوقی و سیاسی و همچنین ظرفیت آمارگیری متفاوت هستند. قابل درک است که سطح ظرفیت آماری هر کشور از نظر رعایت استانداردها و روش‌های توصیه‌شده بین‌المللی، سیستم‌های جمع‌آوری داده و در دسترس بودن شاخص‌های کلیدی اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نامشهود به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: اطلاعات رایانه‌ای، مالکیت نوآورانه و صلاحیت اقتصادی. این دارایی‌ها در قالب حساب‌های ملی شامل تحقیق و توسعه، نرم‌افزار و دیگر دارایی‌های نامشهود دسته‌بندی شده‌اند. به‌عنوان مثال، نرم‌افزار رایانه‌ای و پایگاه‌های داده بزرگ به‌عنوان دارایی‌های ثابت نامشهود شناسایی شده‌اند. این دارایی‌ها به همراه تحقیق و توسعه، اکتشاف مواد معدنی و آثار هنری اصلی به‌عنوان محصولات مالکیت معنوی طبقه‌بندی می‌شوند. با این حال، به دلیل پیچیدگی‌های دارایی‌های نامشهود، هیچ تعریف یا روش واحدی برای اندازه‌گیری آنها که خارج از مرزهای دارایی‌های حساب‌های ملی قرار دارد، وجود ندارد. در سراسر جهان، بسیاری از مطالعات سه ویژگی مهم برای دارایی‌های نامشهود شناسایی

یادداشت

مدیری، بهترین گزینه برای وزارت



محمدزیااین‌نژاد

آموزگار

مهم‌را به بحث و گفت‌وگو گذاشت و زمینه آگاهی بخشی بیشتر درباره آن را فراهم کرد. نگارنده از سویی سال‌هاست که پیگیر عدالت آموزشی و مخالفت با کارهایی است که به فقر آموزشی دامن می‌زند و از دیگر سو بیش از دو دهه است که عضو کانون صنفی معلمان ایران است و خود از مخالفان ورود کنشگران صنفی به گستره قدرت، اما چرا این گزاره آورده شد؟ هدف تاکید بر این موضوع بود که این یادداشت تلاشی نیست برای به دست آوردن سمت در جایی از دولت تازه، بلکه پشتیبانی از روندی است که می‌تواند گام‌هایی باشد هرچند کوتاه، در راستای بهبود شرایط رفاهی و البته آموزشی کشور. دکتر میدری از گزینه‌های ارزشمند در میان وزرای پیشنهادی است؛ دانش و تجربه‌های زیسته او می‌تواند گره‌هایی از شرایط امروز کشور باز کند؛ همان گره‌هایی که زندگی نابرخوردارترین ایرانیان را تحت تأثیر قرار داده است. کماتی ندارم که با توجه به گرایش‌های درونی شده‌اش، او می‌تواند گره‌هایی از زندگی آموزشی بسیاری از دختران و پسران در نابرخوردارترین بخش‌های کشور باز کند.

شاید برای کسی که آموزگار است و در دو دهه گذشته بیش از هر چیز دل‌نگران و درگیر گرفتاری‌های آموزش کشور بوده، برداختن به وزیر پیشنهادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پرش برانگیز و شگفت‌آور باشد. اما این موضوع داستانی است که در این یادداشت تلاش خواهد شد به آن پرداخته شود. احمد میدری اقتصاددانی دارد که در دولت روحانی معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود. در دوره معاونت او در حوزه رفاه اجتماعی، کارهای نظری و عملی چشمگیری در این گستره انجام گرفت که بخش مهمی از آن در پیوند با بازماندگان از آموزش، تحصیل فرزندان خانواده‌های نابرخوردار در استان‌های محروم، ارائه راهکارهای نظری و عملی در راستای رویارویی با فقر و نابرابری آموزشی، راه‌اندازی و پشتیبانی از مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در این معاونت با همکاری جهاد دانشگاهی و انتشار سدها نوشتار و دهه‌ها کتاب و برگزاری چندین نشست کارشناسانه از سوی این مرکز در ارتباط با آموزش و البته دیگر محرومیت‌های اجتماعی در این معاونت بود. این مرکز در حوزه تعارض منافع نیز کارهای ارزشمند و ماندگاری انجام داد که می‌توان به ترجمه نوشتارهایی در پیوند با این گستره از تجربه‌های در حال توسعه اشاره کرد که نگارنده در برگردان بخشی از این نوشتارها همکاری نزدیک داشت و این کار زمینه بخش‌نامه تعارض منافع از سوی حاجی‌میرزایی، وزیر آن زمان آموزش و پرورش شد. در دوران فعالیت مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه، جوانان توانمندی جذب آن شدند که نقش پژوهشگران میدانی برای گفت‌وگو با کارشناسان هر حوزه را بازی می‌کردند و در آن دوران از دهه‌ها فرهنگی‌کنشگر در پیوند با موضوع‌های آموزشی مصاحبه گرفتند و آنها را در کتاب‌ها و مقاله‌های مرکز منتشر کردند.

بی‌گمان یکی از درخشان‌ترین کارهای میدری و دبیرخانه زیر نظر او، برگزاری همایش «مقابله با فقر و نابرابری